

# آخر الزمان

رویدادهای



گروه کتاب نشر گلستان کوثر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

رویدادهای

# آخرالزمان

گروه کتاب نشر گلستان کوثر

عنوان قرارداد: تفسیر قمی، فارسی - عربی، برگزیده الکافی، روضه، فارسی، عربی، برگزیده  
عنوان و نام پدیدآور: رویدادهای آخرالزمان، گروه کتاب نشر گلستان کوثر  
منتحصات نشر: تهران: گلستان کوثر، ۱۳۸۸.  
منتحصات ظاهری: ج: ۱۰، ۷، م: ۱۰.

شابک: ۵۱-۳-۶۸۶۰-۹۶۴-۹۷۸ بهاء ۴۰۰۰ ریال

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: احادیث کتاب حاضر از دو کتاب تفسیر علی بن ابراهیم قمی و روضه کافی گردآوری شده است  
موضوع: آخرالزمان - احادیث، موضوع: فتن و ملاحم - احادیث  
شناسه افزوده: قمی، علی بن ابراهیم، قرن ۳ قمری - تفسیر قمی  
شناسه افزوده: کلینی، محمد بن یعقوب - ۳۲۹ ق - الکافی، روضه  
شناسه افزوده: نشر گلستان کوثر

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹/۳/۲۲۲BP رده بندی دیویی: ۲۹۷/۴۴

شماره کتابشناسی ملی: ۲۰۷۶۶۳۴



نشر گلستان کوثر

## ..... رویدادهای آخرالزمان .....

گروه کتاب نشر گلستان کوثر / چاپ دوم: ۱۳۹۰ شمارگان: ۱۰۰۰۰ جلد  
شمارگان: ۱۰۰۰۰ / چاپ و صحافی: سپهر، پیمان / لیتوگرافی:  
کتاب رویدادهای آخرالزمان  
تلیه حقوق محفوظ است.

نهید قائدی (هدایت)، شماره ۸۹  
۷۷۵۲۶۸۶۸ - ۷۷۵۲

۹ ۷۸۹۶۴۶ ۸۶۰۵۱۳  
نشر گلستان کوثر ۹۰۰۰ ریال

سایر مراکز پخش: تهران: انتشارات منیه ۷۷۵۲۱۸۳۶ (خط ۶) / انتشارات نیک معارف  
۰۵۱۱-۲۲۵۷۲۵۷ / اصفهان:  
خدمات فرهنگی فدک ۰۳۱۱-۲۲۰۵۴۸۵ / تبریز: کتابفروشی کوثر ۰۴۱۱-۵۵۶۲۱۷۲

Website: [www.GolestanKowsar.com](http://www.GolestanKowsar.com) E-mail: [info@GolestanKowsar.com](mailto:info@GolestanKowsar.com)

## سرآغاز سخن

اخبار مربوط به آخر الزمان و غیبت آخرین  
حجت الهی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تغییراتی که  
در این دوران در دامنه‌ی طبیعت؛ جامعه‌ی  
بشری و حتی در دین و شریعت پدیدار  
می‌گردد، در احادیث فراوانی آمده است.

صدها حدیث در مجامع روایی شیعه و اهل  
تسنن از بیان پیامبر عالیقدر اسلام ﷺ و

امیرالمؤمنین حضرت علی علیه السلام و فرزندان گرانقدر ایشان، به شرح و توصیف خصوصیات این دوران پرداخته است.

در این احادیث، دوران آخرالزمان، دوران تحوّل و سرگردانی شیعیان و زمان فتنه و بلا و هنگام بروز هرج و مرج و فساد و تباهی در سراسر جهان معرفی شده است.

آنچه در این روایات بیان شده، مجموعه‌ای است از کارهای ناپسند و ناشایست که در دوران غیبت رواج می‌یابد و همه‌گیر می‌شود. در این احادیث در موارد گوناگون از مسلمانان راستین خواسته شده است که مراقب خود و خانواده‌ی خود باشند و از آلوده شدن به این

پلیدی‌ها خودداری کنند.

در جزوهای که پیش روی شماست، دو حدیث از این روایات که مفصل و جامع است همراه با ترجمه‌ی فارسی آمده است.

حدیث اول از کتاب **تفسیر علی بن ابراهیم قمی** و حدیث دوم از کتاب **روضه کافی** نقل شده است و هر دو حدیث در **مجموعه گرانسنگ بحار الانوار** تالیف علامه عالی‌مقدار **مولی محمد باقر مجلسی** رحمته الله آمده است.

بدان امید که این تلاش اندک در مسیر اصلاح خطاهایی که در جامعه‌ی اسلامی رواج یافته است، مؤثر افتد.

نشر گلستان کوثر

## آیا چنین خواهد شد!؟

● عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: حَجَّجْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ حَجَّةَ الْوُدَاعِ فَأَخَذَ بِحُلَقَةِ بَابِ الْكَعْبَةِ ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ فَقَالَ: أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْرَاطِ السَّاعَةِ؟ وَكَانَ أَذْنَى النَّاسِ مِنْهُ يَوْمَئِذٍ سَلْمَانُ بْنُ سُلَيْمَانَ فَقَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ!

عبدالله بن عباس می گوید: در حجة الوداع<sup>۱</sup> همراه با رسول خدا ﷺ اعمال حج را به جای آوردیم، پس از آن پیامبر خدا ﷺ حلقه‌ی در کعبه را گرفتند و رو به ما کردند و فرمودند: آیا نشانه‌های قیامت را برای شما نگویم؟ سلمان که در آن روز نزدیک پیامبر خدا ﷺ ایستاده بود، عرض کرد: آری ای رسول خدا!

فَقَالَ ﷺ: إِنَّ مِنْ أَشْرَاطِ الْقِيَامَةِ إِضَاعَةُ الصَّلَوَاتِ وَ اتِّبَاعَ الشَّهَوَاتِ وَ الْمَيْلَ إِلَى الْأَهْوَاءِ وَ تَغْظِيمَ أَصْحَابِ الْمَالِ وَ بَيْعَ الدِّينِ بِالدُّنْيَا فَعِنْدَهَا

---

۱- حقی است که پیامبر ﷺ در میان انبوه مسلمانان در سال دهم هجرت انجام دادند و پس از انجام مراسم حج، در غدیر خم حضرت علی عَلِيٌّ را به جانشینی خود نصب فرمودند و به مردم اعلام نمودند که ارتحال ایشان نزدیک شده است و با مسلمانان وداع کردند.

يَذُوبُ قَلْبُ الْمُؤْمِنِ فِي جَوْفِهِ كَمَا يُذَابُ الْمِلْحُ فِي  
الْمَاءِ مِمَّا يَرَى مِنَ الْمُنْكَرِ فَلَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُغَيِّرَهُ.  
قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَايُنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!  
قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: از نشانه‌های قیامت،  
ضایع کردن نمازها، پیروی کردن از هوس‌ها،  
گرایش به هواهای نفسانی، بزرگداشت و احترام  
ثروتمندان و فروختن دین به دنیاست؛ پس در  
این هنگام قلب مومن در درونش آب می‌شود  
همانطور که نمک در آب حل می‌شود چرا که  
زشتی‌ها را مشاهده می‌کند ولی توانایی تغییر  
دادن آنها را ندارد.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین

می شود؟!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

إِنَّ عِنْدَهَا يَلِيهِمْ أُمَرَاءُ جَوْرَةٌ وَ وُزَرَاءُ فَسَقَةٌ وَ  
عُرَفَاءُ ظَلَمَةٌ وَ أُمَنَاءُ خَوْنَةٌ.

فَقَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ ﷺ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن روزگار فرمانروایان ستمگر، وزیران تبهکار، کارشناسان ظالم و کارگزاران خائن، زمام امور مسلمین را به دست می گیرند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین

می شود؟!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! سوگند به آن که جانم در دست اوست، چنین خواهد شد.

إِنَّ عِنْدَهَا يَكُونُ الْمُنْكَرُ مَعْرُوفًا وَ الْمَعْرُوفُ مُنْكَرًا وَ  
يُؤْتَمَنُ الْخَائِنُ وَ يُخَوَّنُ الْأَمِينُ وَ يُصَدَّقُ الْكَاذِبُ وَ  
يُكَذَّبُ الصَّادِقُ.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَايِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ ﷺ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

همانا در آن زمان کار زشت، خوب و پسندیده و کار نیک، زشت و ناپسند می شود؛ خیانتکار را امانتدار می دانند و امین را خائن می شمارند؛ سخن دروغگو را باور می کنند و راستگو را دروغگو می شمارند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! سوگند به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

فَعِنْدَهَا تَكُونُ إِمَارَةُ النِّسَاءِ وَ مُشَاوَرَةُ الْإِمَاءِ وَ قُعُودُ الصِّبْيَانِ عَلَى الْمَنَابِرِ وَ يَكُونُ الْكِذْبُ طُرْفًا وَ الزَّكَاةُ مَغْرَمًا وَ الْفَيْءُ مَغْنَمًا وَ يَجْفُو الرَّجُلُ وَالِدَيْهِ وَ يَبَرُّ صَدِيقَهُ وَ يَطْلُعُ الْكُوكَبُ الْمُذَنَّبُ.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَايِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ ﷺ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

آن هنگام، زمان فرمان‌روایی بانوان، مشورت با کنیزان و نشستن کودکان بر روی منبرهاست.

آنگاه دروغ‌گویی، جالب و خوشایند، پرداخت  
زکات، ضرر و زیان و اموال عمومی مسلمانان،  
غنیمت و دستاورد به شمار می‌رود. مرد از پدر  
و مادر خود می‌برد و با آنان درشتی می‌کند اما  
به دوست خود می‌پیوندد و با او خوشرفتاری  
می‌نماید و در آن هنگام، ستاره‌ی دنباله‌دار  
آشکار خواهد شد.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! آیا چنین  
می‌شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! سوگند  
به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد  
شد.

وَ عِنْدَهَا تُشَارِكُ الْمَرْأَةُ زَوْجَهَا فِي التِّجَارَةِ وَ يَكُونُ

الْمَطَرُ قَيْظًا وَ يَغِيظُ الْكِرَامَ غَيْظًا وَ يُحْتَقِرُ الرَّجُلُ  
الْمُعْسِرُ؛ فَعِنْدَهَا تُقَارِبُ الْأَشْوَاقُ إِذْ قَالَ هَذَا: لَمْ أَبْعُ  
شَيْئًا وَ قَالَ هَذَا: لَمْ أَرْبَحْ شَيْئًا فَلَا تَرَى إِلَّا ذِمًّا لِلَّهِ.  
قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!  
قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن روزگار زن با شوهر خود در تجارت  
همراه می‌گردد، باران در چله‌ی تابستان می‌بارد  
[طبیعت، سر ناسازگاری دارد]، بزرگواران و  
جوانمردان کم می‌شوند و از بین می‌روند و مرد  
تنگ‌دست و فقیر، پست و حقیر شمرده  
می‌شود. در آن وقت، بازارها لبریز می‌شود چرا  
که یکی می‌گوید: چیزی نفروختم و دیگری  
می‌گوید: سودی نکردم. پس کسی را نمی‌بینی

مگر این که خدا را نکوهش می کند.  
سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین  
می شود؟!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان!  
قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین  
خواهد شد.

فَعِنْدَهَا يَلِيهِمْ أَقْوَامٌ إِنْ تَكَلَّمُوا قَتَلَوْهُمْ وَ إِنْ سَكَتُوا  
اسْتَبَاحُوا حَقَّهُمْ. لَيْسَتْ أَثَرُونَ أَنْفُسَهُمْ بِفِيئِهِمْ وَ لَيَطْوُنَّ  
حُرْمَتَهُمْ وَ لَيَسْفِكَنَّ دِمَائَهُمْ وَ لَيَمْلَأَنَّ قُلُوبَهُمْ دَغَلًا وَ  
رُغْبًا فَلَا تَرَاهُمْ إِلَّا وَجِلِينَ خَائِفِينَ مَرْعُوبِينَ مَرْهُوبِينَ.

قالَ سَلْمَانُ: وَ إِنْ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن زمان، گروه‌هایی سرپرستی مردم را به

دست می گیرند که اگر مردم سخن بگویند، آنها را می کشند و اگر سکوت کنند، گرفتن حقشان را روا می شمارند. اموال عمومی مردم را به خود اختصاص می دهند و قطعاً حرمت مردم را پایمال می کنند و خونشان را می ریزند و دل‌های آنها را از نیرنگ و فریب و ترس و وحشت، آکنده می سازند. در نتیجه، مردم آن زمان را نمی بینی مگر آن که هراسان، ترسان، وحشت زده و خائف هستند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

إِنَّ عِنْدَهَا يُؤْتَى بِشَيْءٍ مِّنَ الْمَشْرِقِ وَ شَيْءٍ مِّنَ  
 الْمَغْرِبِ يَلُونَ أُمَّتِي<sup>۱</sup> فَالْوَيْلُ لِمَنْ لَّيَّسَ لَهُ مِمَّا مَنَعَهُمْ وَ  
 الْوَيْلُ لَهُمْ مِّنَ اللَّهِ لَا يَرْحَمُونَ صَغِيرًا وَ لَا يُوقِرُونَ كَبِيرًا  
 وَ لَا يَتَجَاوَزُونَ مِّنْ مَّسْئَةٍ جُثَّةً جُثَّةً الْأَدَمِيِّينَ وَ  
 قُلُوبُهُمْ قُلُوبُ الشَّيَاطِينِ.

قَالَ سَلَامَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَاثِبٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!

قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلَامَانُ!

در آن دوران، چیزی از مشرق می‌آوردند و  
 چیزی از مغرب و سرپرستی امت مرا به دست  
 می‌گیرند. پس وای بر ضعیفان امت من (در

---

۱- حذر لا یورون اُمّتی: مریحوه علامه محسنی قزوینی در توضیح این عبارت می‌فرماید: امت  
 من، رنگ رنگ می‌شوند و به رنگهای گوناگون ریخت می‌گردند به جهت آنچه از مشرق و مغرب  
 برای آنان می‌آوردند.

ایمان) از کار آنان و وای بر آنان از عذاب خداوند. به هیچ کودکی رحم نمی‌کنند، هیچ بزرگسالی را احترام نمی‌کنند و از هیچ خطاکاری در نمی‌گذرند. بدنشان بدن آدمیان و دل‌هایشان دل‌های شیاطین است.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود؟!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

وَ عِنْدَهَا يَكْتَفَى الرَّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ وَ  
يُغَارَ عَلَى الْغُلَّامِ كَمَا يُغَارُ عَلَى الْجَارِيَةِ فِي بَيْتِ  
أَهْلِهَا وَ تُشَبِّهُ الرَّجَالُ بِالنِّسَاءِ وَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ

لَتَرْكَبَنَّ ذَوَاتُ الْفُرُوجِ الشُّرُوجَ فَعَلَيْهِنَّ مِنْ أُمَّتِي لَعْنَةُ  
اللَّهِ.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!  
قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن هنگام، مردان به مردان بسنده می کنند و  
زنان به زنان، غیرتمندانه به حفاظت از پسران  
می پردازند همانگونه که از دختر در میان  
خانواده اش با غیرت محافظت می کنند. مردان  
همانند زنان و زنان همانند مردان می شوند و  
زنها بر زین ها سوار می شوند. لعنت خدا بر این  
زنان امت من.

سلمان عرض کرد: ای رسول خدا! آیا چنین  
می شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به  
آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.  
إِنَّ عِنْدَهَا تُزَخَّرُ الْمَسَاجِدُ كَمَا تُزَخَّرُ الْبَيْعُ وَ  
الْكَنَائِسُ وَ تُحَلَّى الْمَصَاحِفُ وَ تَطُولُ الْمَنَارَاتُ وَ تَكْثُرُ  
الصُّفُوفُ بِقُلُوبٍ مُتَبَاغِضَةٍ وَ أَلْسِنٍ مُخْتَلِفَةٍ.  
قالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَايِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!  
قالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ [يَا سَلْمَانُ!]  
همانا در آن زمان، مساجد را زینت می کنند  
همانند معبد مسیحیان و یهودیان، قرآن‌ها را  
تزیین می کنند، مناره‌ها بلند می شود، صف‌های  
مردم فراوان می شود در حالی که دل‌هایشان در  
نفرت و دشمنی است و زبان‌هایشان گوناگون.  
سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین

می شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری [ای سلمان!] قسم  
به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد  
شد.

وَ عِنْدَهَا يَتَخَلَّى ذُكُورُ أُمَّتِي بِالذَّهَبِ وَ يَلْبَسُونَ  
الْحَرِيرَ وَ الدِّيَابَجَ وَ يَتَّخِذُونَ جُلُودَ النُّمُورِ صِفَاقًا.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن دوران، مردان امت من با طلا زینت  
می کنند و حریر و دیبا به تن می کنند. پوستهای  
پلنگ را نازک و دباغی می کنند و مورد استفاده  
قرار می دهند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین

می شود؟!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان!  
قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین  
خواهد شد.

وَ عِنْدَهَا يَظْهَرُ الرَّبَا وَ يَتَعَامَلُونَ بِالْعَيْنَةِ وَ الرِّشَى وَ  
يُوضَعُ الدِّينُ وَ تُرْفَعُ الدُّنْيَا.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

آن هنگام ربا آشکار می شود و مردم به  
صورت عینه<sup>۱</sup> و با دادن رشوه، داد و ستد

---

<sup>۱</sup> - در تفسیر عینه گفته شده است: حسبی را به مسع متحقی. مادت در، به کسی می فروشد و  
بعد به مسع کمتری را و می خورد. در کتاب مستدرک الوسائل، پس عبارت حسین آمده است  
یتعاملون بالرشوة و الربا یعنی با برد حث رشوه و ربا، یا بکند بگر داد و ستد می کنند.

می‌کنند. دین را پایین می‌آوردند و دنیا را بالا می‌برند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.  
وَ عِنْدَهَا يَكْثُرُ الطَّلَاقُ فَلَا يُقَامُ لِلَّهِ حَدٌّ وَ لَنْ يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا.

قالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَايِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟

قالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن زمان طلاق زیاد می‌شود و هیچ‌یک از حدود الهی اجرا نمی‌گردد و هرگز [با اجرا نکردن حدود] زیانی به خداوند نمی‌رسانند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود!؟

رسول خدا ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

وَ عِنْدَهَا تَظْهَرُ الْقَيْنَاتُ وَ الْمَعَارِفُ وَ يَلِيهِمْ أَشْرَارُ أُمَّتِي.

قالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن دوران زنان آوازه‌خوان و آلات موسیقی آشکار می‌شوند و بدترین افراد امت من سرپرستی آنان را به دست می‌گیرند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین

می شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

وَ عِنْدَهَا تَحُجُّ أَغْنِيَاءُ أُمَّتِي لِلزُّهَّةِ وَ تَحُجُّ  
أَوْسَاطُهَا لِلتِّجَارَةِ وَ تَحُجُّ فَقَرَاءُهُمُ لِلرِّيَاءِ وَ السُّمْعَةِ  
فَعِنْدَهَا يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَعَلَّمُونَ الْقُرْآنَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ  
يَتَّخِذُونَهُ مَزَامِيرَ وَ يَكُونُ أَقْوَامٌ يَتَفَقَّهُونَ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ  
تَكْثُرُ أَوْلَادُ الزِّنَا وَ يَتَغَنَّوْنَ بِالْقُرْآنِ وَ يَتَهَافَتُونَ بِالدُّنْيَا.  
قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قال: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن شرایط، ثروتمندان امت من برای  
گردش و تفریح، طبقه‌ی متوسط آنان به جهت  
تجارت و سودآوری و نیازمندان آنها برای

خودنمایی و نام‌آوری به حج می‌روند. در آن هنگام گروه‌هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می‌آموزند و آن را سرود و ترانه می‌کنند و به صورت غنا می‌خوانند. مردمانی خواهند آمد که دانش دین را برای غیر خدا می‌آموزند. زنازادگان فراوان می‌شوند. آن مردمان قرآن را با آواز می‌خوانند و به سوی دنیا هجوم می‌برند و گرد آن حلقه می‌زنند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.

ذَاكَ إِذَا انْتَهَكْتَ الْمَحَارِمَ وَ اكْتَسَبْتَ الْمَآثِمَ وَ

تَسْلُطَ الْأَشْرَارُ عَلَى الْأَخْيَارِ وَ يَفْشُو الْكِذْبُ وَ تَظْهَرُ  
 اللَّجَاجَةُ وَ تَفْشُو الْفَاقَةُ وَ يَتَبَاهَوْنَ فِي اللَّبَاسِ وَ  
 يُمَطَّرُونَ فِي غَيْرِ أَوَانِ الْمَطَرِ وَ يَسْتَحْسِنُونَ الْكُوبَةَ وَ  
 الْمَعَارِيفَ وَ يُنْكِرُونَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ  
 الْمُنْكَرِ حَتَّى يَكُونَ الْمُؤْمِنُ فِي ذَلِكَ الزَّمَانِ أَذَلَّ مِنَ  
 الْأَمَةِ. وَ يُظْهِرُ قُرَاؤُهُمْ وَ عِبَادَتُهُمْ فِيمَا بَيْنَهُمُ التَّلَاوُمَ.  
 فَالْيُكُّ يُدْعَوْنَ فِي مَلَكَوتِ السَّمَاوَاتِ الْأَرْجَاسُ وَ  
 الْأَنْجَاسُ.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!؟

قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

اینها هنگامی است که مردم، محرمات الهی را  
 حرمت نمی نهند و مرتکب گناهان می شوند،  
 بدان بر نیکان مسلط می گردند، دروغ گفتن

رواج می‌یابد، لجاجت در مردم زیاد می‌شود و فقر و تنگدستی فراگیر می‌شود. مردم در لباس به یکدیگر فخر و مباهات می‌کنند، بارانشان در غیر فصل می‌بارد، نرد و شطرنج و آلات موسیقی را نیکو می‌شمارند، امر به معروف و نهی از منکر را ناپسند می‌شمارند تا این که مومن در آن زمان از کنیز هم پست‌تر می‌شود و قاریان قرآن و عابدانشان به سرزنش یکدیگر می‌پردازند. پس آنان در ملکوت آسمانها، پلیدان ناپاک شمرده می‌شوند.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین می‌شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به

آن که جانم به دست اوست، چنین خواهد شد.  
فَعِنْدَهَا لَا يَخْشَى الْغَنَى إِلَّا الْفَقِيرَ حَتَّى أَنْ السَّائِلَ  
يَسْأَلُ فِيمَا بَيْنَ الْجُمُعَتَيْنِ لَا يُصِيبُ أَحَدًا يَضَعُ فِي  
كَفِّهِ شَيْئًا.

قَالَ سَلْمَانُ: وَ إِنَّ هَذَا لَكَائِنٌ يَا رَسُولَ اللَّهِ!  
قَالَ: إِي وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ يَا سَلْمَانُ!

در آن هنگام، ثروتمند جز از فقیر نمی ترسد  
تا آنجا که نیازمند در طول هفته از مردم  
درخواست کمک می کند ولی هیچ کس را  
نمی یابد که چیزی در دست او بگذارد.

سلمان گفت: ای رسول خدا! آیا چنین  
می شود؟!؟

پیامبر ﷺ فرمودند: آری ای سلمان! قسم به

آن کہ جانم بہ دست اوست، چنین خواهد شد.  
عِنْدَهَا يَتَكَلَّمُ الرُّوَيْبِضَةُ.  
فَقَالَ: وَ مَا الرُّوَيْبِضَةُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! فِدَاكَ أَبِي وَ  
أُمِّي؟

قال ﷺ: يَتَكَلَّمُ فِي أَمْرِ الْعَامَّةِ، مَنْ لَمْ يَكُنْ يَتَكَلَّمُ.  
فَلَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا قَلِيلًا حَتَّى تَخُورَ الْأَرْضُ خَوْرَةً  
فَلَا يَظُنُّ كُلُّ قَوْمٍ إِلَّا أَنَّهَا خَارَتْ فِي نَاحِيَّتِهِمْ  
فَيَمْكُثُونَ مَا شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ يَمْكُثُونَ فِي مَكْثِهِمْ فَتُلْقَى  
لَهُمُ الْأَرْضُ أَفْلَازَ كَبِيدِهَا ذَهَبًا وَ فِضَّةً ثُمَّ أَوْمَأَ بِيَدِهِ  
إِلَى الْأَسَاطِينِ فَقَالَ: مِثْلُ هَذَا، فَيَوْمئِذٍ لَا يَنْفَعُ ذَهَبٌ  
وَ لَا فِضَّةٌ، فَهَذَا مَعْنَى قَوْلِهِ: «فَقَدْ جَاءَ أَشْرَاطُهَا»<sup>١</sup>.

١- تفسیر علی بن ابرہیم قمی: ۳۰۳-۳۰۷، بحر الاور: ۳۰۵-۳۱۰، تالکلی حذاف.

در آن زمان رُؤْيَبُضَه<sup>۱</sup> به سخن می‌آید.  
 سلمان گفت: یا رسول‌الله! پدر و مادرم به  
 فدای شما! رُؤْيَبُضَه چیست؟  
 رسول خدا ﷺ فرمودند: کسی در مورد  
 مسائل مربوط به عموم مردم سخن می‌گوید که  
 تا آنگاه سخنی نگفته است<sup>۲</sup>  
 پس مدت کوتاهی بر آنان می‌گذرد تا این که  
 صدای صیحه‌ای از زمین شنیده می‌شود و هر  
 گروهی چنین می‌پندارند که این صدا از  
 منطقه‌ی آنان است، پس تا آن زمان که خدا  
 بخواهد درنگ می‌کنند و این مدت به طول

---

۱- رُؤْيَبُضَه: مرد پست و فرومایه و غیر کاردار.

۲- در حدیث دیگری آمده است: گوسفندچرانان، ریاست مردم را به دست می‌گیرند.

می‌انجامد. پس زمین پاره‌های جگر خود را از  
طلا و نقره برای آنان بیرون می‌ریزد.  
آنگاه رسول خدا ﷺ با دست خود به  
ستونها اشاره کردند و فرمودند: همانند اینها. و  
در آن روز نه طلا و نه نقره به کار نمی‌آید و  
این است معنای سخن خداوند که فرمود: فَقَدْ  
جاءَ أَشْرَاطُهَا.<sup>۱</sup>

---

۱ - هم‌اکنون نشانه‌های آن آمده است. سوره‌ی حضرت محمد ﷺ (۴۷): ۱۸.

## رویدادهای آخر الزمان

● عَنْ حُمْرَانَ، قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام وَ ذَكَرَ هَؤُلَاءِ عِنْدَهُ وَ سَوْءُ حَالِ الشَّيْعَةِ عِنْدَهُمْ، فَقَالَ: إِنِّي سِرْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام الْمَنْصُورِ وَ هُوَ فِي مَوْكِبِهِ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ بَيْنَ يَدَيْهِ خَيْلٌ وَ مِنْ خَلْفِهِ خَيْلٌ وَ أَنَا

عَلَى حِمَارٍ إِلَى جَانِبِهِ فَقَالَ لِي: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ! قَدْ كَانَ  
يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَفْرَحَ بِمَا أَعْطَانَا اللَّهُ مِنَ الْقُوَّةِ وَفَتْحِ  
لَنَا مِنَ الْعِزِّ وَ لَا تُخْبِرُ النَّاسَ أَنَّكَ أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ  
مِنَّا وَ أَهْلَ بَيْتِكَ فَتَغْرِينَا بِكَ وَ بِهِمْ.

قَالَ: فَقُلْتُ: وَ مَنْ رَفَعَ هَذَا إِلَيْكَ عَنِّي فَقَدْ كَذَبَ.  
فَقَالَ لِي: أَمْ تَخْلِفُ عَلَيَّ مَا تَقُولُ؟

قَالَ: فَقُلْتُ: إِنَّ النَّاسَ سَحَرَةٌ يَعْنِي يُحِبُّونَ أَنْ  
يُفْسِدُوا قَلْبَكَ عَلَيَّ فَلَا تُمَكِّنْهُمْ مِنْ سَمْعِكَ فَإِنَّا إِلَيْكَ  
أُخَوِّجُ مِنْكَ إِلَيْنَا.

فَقَالَ لِي: تَذْكُرُ يَوْمًا سَأَلْتُكَ: هَلْ لَنَا مُلْكٌ؟ فَقُلْتُ:  
نَعَمْ، طَوِيلٌ عَرِيضٌ شَدِيدٌ فَلَا تَزَالُونَ فِي مُهْلَةٍ مِنْ  
أَمْرِكُمْ وَ فُسْحَةٍ مِنْ دُنْيَاكُمْ حَتَّى تُصِيبُوا مِنَّا دَمًا  
حَرَامًا فِي شَهْرٍ حَرَامٍ فِي بَلَدٍ حَرَامٍ.

فَعَرَفْتُ أَنَّهُ قَدْ حَفِظَ الْحَدِيثَ فَقُلْتُ: لَعَلَّ اللَّهَ عَزَّ  
وَجَلَّ أَنْ يَكْفِيكَ فَإِنِّي لَمْ أَخْصُصْكَ بِهَذَا إِنَّمَا هُوَ  
حَدِيثٌ رَوَيْتُهُ ثُمَّ لَعَلَّ غَيْرَكَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ أَنْ  
يَتَوَلَّى ذَلِكَ فَسَكَتَ عَنِّي.

حُمران می گوید: در محضر امام صادق علیه السلام  
سخن از آنان (خلفای بنی عباس) و وضعیت بد  
شیعیان در دوران آنها، به میان آمد، امام علیه السلام  
فرمودند: مَنْ [روزی] همراه ابو جعفر منصور<sup>۱</sup>  
می رفتم و او در میان همراهان خود بر اسبی  
سوار بود، پیشاپیش و پشت سر او، اسب سواران  
در حرکت بودند و مَنْ نیز در کنار او بر

---

۱ - منصور دوانیقی دومین خلیفه‌ی غاصب از بنی عباس و برادر سفاح - آغازگر سلسله‌ی  
خیثه‌ی عباسیه - است.

درازگوشی سوار بودم. منصور به من گفت: ای ابو عبدالله!<sup>۱</sup> شایسته است به جهت قدرتی که خداوند به ما ارزانی داشته و عزتی که برای ما فراهم آورده است، شاد و مسرور باشی و به مردم نگویی که شما و خاندانتان برای حکومت سزاوارترید؛ تا ما را برضد خودت و آنها تحریک کنی.

امام صادق علیه السلام فرمودند: من به او گفتم: هر کس از سوی من چنین چیزی به تو گفته، قطعاً دروغ گفته است.

منصور به من گفت: آیا بر این سخن، سوگند می‌خوری؟

---

۱- ابو عبدالله، کنیه امام صادق علیه السلام است.

امام صادق علیه السلام فرمودند: من به او جواب دادم:  
همانا این مردم جادوگران اند (فریبکارند) یعنی  
دوست دارند که تو را نسبت به من بددل کنند  
پس گوش خود را به آنان مسپار که ما به تو  
نیارمندتریم تا تو به ما.

منصور به من گفت: به یاد داری که روزی از  
تو پرسیدم آیا ما به پادشاهی می‌رسیم؟ پاسخ  
دادی: آری، دراز مدت، پهن‌آور و پر قدرت.  
پیوسته به شما فرصت داده می‌شود و دنیای‌تان  
وسیع و گسترده خواهد بود تا این که در ماه  
حرام و در شهر حرام، خون حرامی را از ما  
بریزید.

امام علیه السلام فرمودند: پس دانستم که منصور آن

حدیث را به خاطر سپرده است؛ به او گفتم: شاید خداوند گرانقدر و بزرگ تو را [از انجام چنین کاری] کفایت کند. البته من نگفتم که شخص تو چنین خواهی کرد بلکه فقط حدیثی را نقل کردم. پس شاید دیگری از خاندانت چنین کند. در این وقت منصور لب فرو بست و دیگر چیزی به من نگفت.

فَلَمَّا رَجَعْتُ إِلَى مَنْزِلِي أَتَانِي بَعْضُ مُوَالِينَا فَقَالَ:  
جُعِلْتُ فِدَاكَ وَ اللَّهُ لَقَدْ رَأَيْتُكَ فِي مَوْكِبِ أَبِي جَعْفَرٍ  
وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ وَ هُوَ عَلَى فَرَسٍ وَ قَدْ أَشْرَفَ  
عَلَيْكَ يُكَلِّمُكَ كَأَنَّكَ تَحْتَهُ، فَقُلْتُ بَيْنِي وَ بَيْنَ نَفْسِي:  
هَذَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ وَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الَّذِي  
يُقْتَدَى بِهِ وَ هَذَا الْآخِرُ يَعْمَلُ بِالْجَوْرِ وَ يَقْتُلُ أَوْلَادَ

الأنبياء وَ يَسْفِكُ الدِّمَاءَ فِي الْأَرْضِ بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ وَ  
هُوَ فِي مَوَكِبِهِ وَ أَنْتَ عَلَى حِمَارٍ! فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ  
شَكٌّ حَتَّى خِفْتُ عَلَى دِينِي وَ نَفْسِي.

قَالَ: فَقُلْتُ: لَوْ رَأَيْتَ مَنْ كَانَ حَوْلِي وَ بَيْنَ يَدَيَّ وَ  
مِنْ خَلْفِي وَ عَنْ يَمِينِي وَ عَنْ شِمَالِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
لَا خَتَقَرَّتْهُ وَ اخْتَقَرَّتْ مَا هُوَ فِيهِ.

فَقَالَ: الْآنَ سَكَنَ قَلْبِي. ثُمَّ قَالَ: إِلَى مَتَى هَؤُلَاءِ  
يَمْلِكُونَ؟ أَوْ مَتَى الرِّاحَةُ مِنْهُمْ؟

فَقُلْتُ: أَلَيْسَ تَعْلَمُ أَنَّ لِكُلِّ شَيْءٍ مُدَّةً؟

قَالَ: بَلَى.

فَقُلْتُ: هَلْ يَنْفَعُكَ عِلْمُكَ؟ إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ إِذَا جَاءَ  
كَانَ أَسْرَعَ مِنْ طَرْفَةِ الْعَيْنِ. إِنَّكَ لَوْ تَعْلَمُ حَالَهُمْ  
عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ كَيْفَ هِيَ؟ كُنْتَ لَهُمْ أَشَدَّ

بُغْضًا وَ لَوْ جَاهَدْتَ أَوْ جَاهَدَ أَهْلُ الْأَرْضِ أَنْ  
يَدْخُلُوهُمْ فِي أَشَدِّ مَا هُمْ فِيهِ مِنَ الْإِثْمِ، لَمْ يَقْدِرُوا.  
فَلَا يَسْتَفِزُّكَ الشَّيْطَانُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ  
لِلْمُؤْمِنِينَ وَ لَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ<sup>۱</sup>.

چون به منزل بازگشتم، یکی از دوست‌داران ما  
به نزد من آمد و گفت: جانم فدای شما! سوگند  
به خدا! شما را در جمع اطرافیان منصور دیدم  
که بر درازگوشی سوار بودید در حالی که او بر  
اسب نشسته بود، به طوری از بالا با شما  
صحبت می‌کرد که گویا شما زیر دست او  
هستید. با خود گفتم: این شخص حجت خدا  
بر خلق و صاحب اختیار امر خلافت است که

---

۱- برآورد: ب. ن. ۸، سوره‌ی مبارکه‌ی منافقون (۶۳).

همه باید از او پیروی کنند و آن دیگری ستم  
می‌کند و پیامبرزادگان را می‌کشد و در زمین بر  
خلاف رضای خداوند خونریزی می‌کند. او در  
جمع همراهان است و شما بر درازگوشی  
سوارید! از این ماجرا شک در دلم راه یافت  
بطوری که بر خودم و دینم ترسیدم.

امام صادق علیه السلام فرمودند: من به او گفتم: اگر  
فرشتگانی که گرداگرد من، پیش رو و پشت سر  
و سمت راست و سمت چپ من بودند را  
می‌نگریستی، قطعاً منصور و جمع همراهان او  
را پست و حقیر می‌شمردی.

آن مرد گفت: اکنون دلم آرام شد. سپس  
گفت: اینان تا به کی فرمانروایی می‌کنند؟ یا چه

وقت از ظلم و ستم آنها راحت می‌شویم؟  
من گفتم: مگر نمی‌دانی که هر چیز مدتی  
دارد؟

گفت: چرا.

گفتم: آیا این دانستن، تو را سودی می‌بخشد؟  
چون زمان این کار فرا رسد، از چشم به هم  
زدن، سریع‌تر انجام خواهد شد. البته اگر  
می‌دانستی که حال آنها در پیشگاه خداوند  
چگونه است، آنان را بیش از این دشمن  
می‌داشتی. [اما بدان] اگر تو یا مردم روی زمین  
تمام توان خود را به کار بندید تا آنان را به  
گناهانی - بدتر از این که می‌کنند - وا دارید،  
نخواهید توانست؛ پس مبادا که شیطان تو را

تحریک و هیجان زده کند؛ که همانا عزت و بزرگی از آن خدا و پیامبر او و مومنان است؛ اما دورویان نمی دانند.

أَلَا تَعْلَمُ أَنَّ مَنْ إِنْتَظَرَ أَمْرَنَا وَ صَبَرَ عَلَى مَا يَرَى  
مِنَ الْأَذَى وَ الْخَوْفِ هُوَ غَدَاً فِي زُمْرَتِنَا؟

فَإِذَا رَأَيْتَ الْحَقَّ قَدْ مَاتَ وَ ذَهَبَ أَهْلُهُ وَ رَأَيْتَ  
الْجَوْرَ قَدْ شَمَلَ الْبِلَادَ وَ رَأَيْتَ الْقُرَانَ قَدْ خَلِقَ وَ  
أُحْدِثَ فِيهِ مَا لَيْسَ فِيهِ وَ وُجِّهَ عَلَى الْأَهْوَاءِ وَ رَأَيْتَ  
الدِّينَ قَدْ إِنْكَفَأَ كَمَا يَنْكَفِي الْإِنَاءُ.

آیا نمی دانی هر کس چشم انتظار حکومت ما  
باشد و بر ترس و آزاری که می بیند شکیبایی  
کند؛ او فردای قیامت در گروه ما خواهد بود؟  
پس چون دیدی که حق مرده است و اهل

آن از بین رفته‌اند و دیدی که ظلم و ستم  
همه‌ی سرزمینها را فرا گرفته است، دیدی که  
قرآن کهنه و مندرس شده و آنچه در قرآن نبوده،  
در آن ایجاد شده و بر اساس خواسته‌های  
نفسانی، جهت داده شده است و دیدی که دین  
واژگون شده است همانگونه که ظرف واژگون  
می‌شود.

و رَأَيْتَ أَهْلَ الْبَاطِلِ قَدْ اسْتَعْلَوْا عَلَى أَهْلِ الْحَقِّ وَ  
رَأَيْتَ الشَّرَّ ظَاهِرًا لَا يُنْهَى عَنْهُ وَ يُعْذَرُ أَصْحَابُهُ وَ  
رَأَيْتَ الْفِسْقَ قَدْ ظَهَرَ وَ اكْتَفَى الرِّجَالُ بِالرِّجَالِ وَ  
النِّسَاءُ بِالنِّسَاءِ.

و دیدی که اهل باطل بر اهل حق برتری  
یافته‌اند و دیدی که بدی‌ها ظاهر و آشکارند و

از آنها نهی نمی‌شود و بدان را [سرزنش  
نمی‌کند و] معذور می‌دارند و دیدی که گناه  
آشکار شده است و مردان به مردان و زنان به  
زنان بسنده می‌کنند.

و رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ صَامِتًا لَا يُقْبَلُ قَوْلُهُ وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ  
يَكْذِبُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ كَذِبُهُ وَ فَرَيْتُهُ وَ رَأَيْتَ الصَّغِيرَ  
يَسْتَحْقِرُ بِالْكَبِيرِ وَ رَأَيْتَ الْأَرْحَامَ قَدْ تَقَطَّعَتْ وَ رَأَيْتَ  
مَنْ يَمْتَدِّحُ بِالْفِسْقِ يُضْحَكُ مِنْهُ وَ لَا يُرَدُّ عَلَيْهِ قَوْلُهُ وَ  
رَأَيْتَ الْغُلَامَ يُعْطَى مَا تُعْطَى الْمَرْأَةُ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ  
يَتَزَوَّجْنَ النِّسَاءَ وَ رَأَيْتَ الثَّنَاءَ قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ  
يُنْفِقُ الْمَالَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ فَلَا يُنْهَى وَ لَا يُؤْخَذُ عَلَى  
يَدَيْهِ.

و دیدی که مومن ساکت است و لب

فرو بسته و سخن او پذیرفته نمی شود و دیدی  
که گنه کار و فاسق، دروغ می گوید و کسی  
سخن دروغ و نادرست او را رد نمی کند و  
دیدی که خردسال، بزرگسال را خوار و بی مقدار  
می شمارد و دیدی خویشاوندان از یکدیگر  
می بُرنند و دیدی کسی که از فسق و فجور، مدح  
و ستایش می کند، مردم به روی او لبخند  
می زنند و سخن او را رد نمی کنند و دیدی  
پسر بچه را به دیده ی زن می نگرند و دیدی زنان  
با زنان تشکیل زندگی می دهند و دیدی مدح و  
ستایش افراد فراوان شده است و دیدی که مرد،  
دارایی خود را در راهی غیر از راه طاعت الهی  
خرج می کند ولی او را باز نمی دارند و از کار او

جلوگیری نمی کنند.

وَ رَأَيْتَ النَّازِعَ يَتَعَوَّذُ بِاللَّهِ مِمَّا يَرَى الْمُؤْمِنُ فِيهِ  
مِنَ الْإِجْتِهَادِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُؤْذِي جَارَهُ وَ لَيْسَ لَهُ  
مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ الْكَافِرَ فَرِحًا لِمَا يَرَى فِي الْمُؤْمِنِ، مَرِحًا  
لِمَا يَرَى فِي الْأَرْضِ مِنَ الْفَسَادِ وَ رَأَيْتَ الْخُمُورَ  
تَشْرَبُ عَلَانِيَةً وَ يَجْتَمِعُ عَلَيْهَا مَنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ عَزَّ وَ  
جَلَّ وَ رَأَيْتَ الْأَمِيرَ بِالْمَعْرُوفِ ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْفَاسِقَ  
فِيمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ قَوِيًّا مَحْمُودًا.

و دیدی بیننده‌ای که تلاش و کوشش مومن  
را [در راه اطاعت خدا] می بیند، از سختی کار او  
به خدا پناه می برد و دیدی که همسایه،  
همسایه خود را آزار می دهد و بازدارنده‌ای برای  
او نیست و دیدی که کافر از وضعیت مومن،

شاد و مسرور است و از تباهی و فسادى که در  
روى زمین مى‌بیند، بسیار خوشحال است و  
دیدى که مشروبات الکلی را آشکارا مى‌خورند  
و آنان که از خداوند گرانقدر و بزرگ  
نمى‌هراسند، برای نوشیدن آن گرد هم اجتماع  
مى‌کنند و دیدى که امر کننده‌ی به معروف،  
پست و حقیر است و دیدى گنهکار و فاسق،  
در انجام آنچه خدا نمى‌پسندد، نیرومند و مورد  
ستایش است.

وَ رَأَيْتَ أَصْحَابَ الْآيَاتِ يُحَقَّرُونَ وَ يُخْتَقَرُ مَنْ  
يُحِبُّهُمْ وَ رَأَيْتَ سَبِيلَ الْخَيْرِ مُنْقَطِعاً وَ سَبِيلَ الشَّرِّ  
مَسْلُوكاً وَ رَأَيْتَ بَيْتَ اللَّهِ قَدْ عُطِّلَ وَ يُؤْمَرُ بِتَرْكِهِ وَ  
رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَقُولُ مَا لَا يَفْعَلُهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجَالَ

يَتَسَمَّنُونَ لِلرِّجَالِ وَ النِّسَاءِ لِلنِّسَاءِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ  
مَعِيشَتُهُ مِنْ دُبُرِهِ وَ مَعِيشَةُ الْمَرْأَةِ مِنْ فَرجِهَا وَ رَأَيْتَ  
النِّسَاءَ يَتَّخِذْنَ الْمَجَالِسَ كَمَا يَتَّخِذُهَا الرِّجَالُ.

و دیدی که بزرگان دین و دوستداران آنها را  
پست و حقیر می‌شمارند و دیدی که راه خیر و  
نیکی رها شده و راه شر و بدی پیموده می‌شود  
و دیدی که خانه‌ی خدا را [بدون زائر] را  
وا گذاشته‌اند و به ترک زیارت آن فرمان می‌دهند  
و دیدی مرد می‌گوید، آنچه را انجام نمی‌دهد و  
دیدی که مردان را برای بهره‌برداری مردان و  
زنان برای بهره‌برداری زنان فربه می‌شوند و  
دیدی که مرد با همجنس‌گرایی و زن با  
خودفروشی، زندگی خود را می‌گذرانند و دیدی

که زنان همانند مردان برای خود مجالسی  
تشکیل می دهند.

و رَأَيْتَ التَّانِيثَ فِي وُلْدِ الْعَبَّاسِ قَدْ ظَهَرَ وَ  
أَظْهَرُوا الْخِضَابَ وَ امْتَشَطُوا كَمَا تَمْتَشِطُ الْمَرْأَةُ  
لِزَوْجِهَا وَ أَعْطَوُا الرِّجَالَ الْأَمْوَالَ عَلَى فُرُوجِهِمْ وَ  
تُنُوفِسَ فِي الرِّجُلِ وَ تَغَايَرَ عَلَيْهِ الرِّجَالُ.

و دیدی که رفتار زنانه در فرزندان عباس (بنی  
عباس) آشکار شده است، آشکارا [دست و پای  
خود را] خضاب می کنند و موهای خود را شانه  
می کنند؛ همانند زنی که برای شوهر خود شانه  
می زند و به مردها برای اعمال ناپسند پول  
می دهند. برای رسیدن به مرد، مسابقه می گذارند  
و مردان بر سر او به اختلاف می پردازند.

وَ كَانَ صَاحِبُ الْمَالِ أَعَزَّ مِنَ الْمُؤْمِنِ وَ كَانَ الرَّبَا  
ظَاهِرًا لَا يُعَيَّرُ وَ كَانَ الزِّنَا تُمْتَدِّحُ بِهِ النِّسَاءُ وَ رَأَيْتَ  
الْمَرْأَةَ تُصَانِعُ زَوْجَهَا عَلَى نِكَاحِ الرِّجَالِ وَ رَأَيْتَ أَكْثَرَ  
النَّاسِ وَ خَيْرَ بَيْتٍ، مَنْ يُسَاعِدُ النِّسَاءَ عَلَى فِسْقِهِنَّ وَ  
رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ مَحْزُونًا مُحْتَقَرًا ذَلِيلًا وَ رَأَيْتَ الْبِدْعَ وَ  
الزِّنَا قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ يَعْتَدُونَ بِشَاهِدِ الزَّوْرِ.

ثروتمند از مؤمن عزیزتر است، ربا زیاد  
می شود و کسی آن را نکوهش نمی کند، زنا برای  
زنان موجب ستایش است و دیدی که زن برای  
رسیدن به مردان، با شوهر خود مدارا و نرمش  
می کند و دیدی که بیشتر مردم و بهترین  
خانه ها، کسانی هستند که زنان را برای هرزگی و  
فساد یاری می کنند و دیدی مومن اندوهگین و

کوچک و ذلیل است و دیدی که بدعت‌گذاری  
در دین و زنا فراوان شده است و دیدی که مردم  
به شاهی که به دروغ و باطل شهادت می‌دهد،  
اعتماد می‌کنند.

وَأُتِيتَ الْحَرَامَ يُحَلَّلُ وَرَأَيْتَ الْحَلَالَ يُحَرَّمُ وَ  
رَأَيْتَ الدِّينَ بِالرَّأْيِ وَعُطِّلَ الْكِتَابُ وَأُحْكَمَتْ  
رَأَيْتَ اللَّيْلَ لَا يُسْتَخْفَى بِهِ مِنَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ وَ  
رَأَيْتَ الْمُؤْمِنَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يُنْكَرَ إِلَّا بِقَلْبِهِ وَرَأَيْتَ  
الْعَظِيمَ مِنَ الْمَالِ يُنْفِقُ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.

و دیدی که حرام خدا حلال و حلال خدا  
حرام شده است و دیدی که دین خدا بر اساس  
فکر و نظر شخص بیان می‌شود و کتاب الهی  
(قرآن) متروک شده است و به دستورات آن

عمل نمی‌شود و دیدی که چنان نسبت به خداوند گستاخ می‌شوند که دیگر از شب برای پنهان ساختن کارهای ناپسند استفاده نمی‌شود و دیدی که مومن نمی‌تواند نهی از منکر کند مگر به این اندازه که منکر را در دل زشت و ناپسند بشمارد و دیدی که مال فراوان در راه خشم و غضب خداوند گرانقدر و بزرگ مصرف می‌شود.

وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَقْرَبُونَ أَهْلَ الْكُفْرِ وَ يُبَاعِدُونَ أَهْلَ الْخَيْرِ وَ رَأَيْتَ الْوُلَاةَ يَرْتَشُونَ فِي الْحُكْمِ وَ رَأَيْتَ الْوِلَايَةَ قِبَالَهٖ لِمَنْ زَادَ وَ رَأَيْتَ ذَوَاتِ الْأَرْحَامِ يُنْكَحْنَ وَ يُكْتَفَى بِهِنَّ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُقْتَلُ عَلَى التُّهْمَةِ وَ عَلَى الظَّنِّ وَ يَتَغَايَرُ عَلَى الرَّجُلِ الذَّكَرِ فَيَبْذُلُ لَهُ نَفْسَهُ وَ مَالَهُ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُعَيَّرُ عَلَى إِيْتَانِ النِّسَاءِ وَ

رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَأْكُلُ مِنْ كَسْبِ امْرَأَتِهِ مِنَ الْفُجُورِ  
يَعْلَمُ ذَلِكَ وَ يُقِيمُ عَلَيْهِ.

و دیدی که حکام به کافران نزدیک می‌شوند  
و از نیکان دوری می‌گزینند. دیدی که حاکمان  
در قضاوت رشوه می‌گیرند و دیدی که حکومت  
به صورت قرارداد برای کسی است که بیشتر  
[بهای آن را] بپردازد<sup>۱</sup> و دیدی که با محارم خود  
در آمیزند و به آنان اکتفا کنند. دیدی که مرد را  
به صرف اتهام و گمان می‌کشند و بر سر جنس  
مذکر به اختلاف می‌پردازند و جان و مال خود  
را برای او فدا می‌کنند و دیدی که مرد را

---

۱- یعنی مبلغی می‌پردازد و مسئولیت جایی را به دست می‌آورد. آنگاه هر چه بیشتر که نخواهد  
از مردم می‌گیرد.

سرزنش می کنند که چرا به نزد زنان می رود و دیدی که مرد از درآمد نامشروع زن خود از فساد روزی می خورد و این را می داند و بر آن پایدار است.

و رَأَيْتَ الْمَرْأَةَ تَقْهَرُ زَوْجَهَا وَ تَعْمَلُ مَا لَا يَشْتَهِي وَ  
تُنْفِقُ عَلَى زَوْجِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُكْرِى امْرَأَتَهُ وَ  
جَارِيَّتَهُ وَ يَرْضَى بِالذَّنِيِّ مِنَ الطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ  
رَأَيْتَ الْأَيْمَانَ بِاللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ كَثِيرَةً عَلَى الزَّوْرِ وَ  
رَأَيْتَ الْقِمَارَ قَدْ ظَهَرَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَابَ يُبَاعُ ظَاهِرًا  
لَيْسَ لَهُ مَانِعٌ وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ يَبْذُلْنَ أَنْفُسَهُنَّ لِأَهْلِ  
الْكُفْرِ وَ رَأَيْتَ الْمَلَاهِي قَدْ ظَهَرَتْ يُمَرُّ بِهَا لَا يَمْنَعُهَا  
أَحَدٌ أَحَدًا وَ لَا يَجْتَرِئُ أَحَدٌ عَلَى مَنَعِهَا وَ رَأَيْتَ  
الشَّرِيفَ يَسْتَذِلُّهُ الَّذِي يُخَافُ سُلْطَانَهُ.

و دیدی که زن بر شوهر خود مسلط می‌شود  
و بر خلاف میل و رضای او عمل می‌کند و  
خرج شوهر خود را می‌دهد و دیدی که مرد،  
زن و کنیز خود را اجاره می‌دهد، به خوردنی و  
نوشیدنی پست و ناچیز راضی می‌شود. دیدی  
که بیشتر سوگندها به خداوند، بر اساس دروغ و  
باطل است و دیدی که قمار آشکار و هویدا  
شده است و دیدی که شراب، آشکارا و بدون  
هیچ مانعی فروخته می‌شود. دیدی که زنان،  
خود را در اختیار کفار می‌گذارند و دیدی که  
وسایل موسیقی فراوان و زیاد شده است و مردم  
از کنار آن می‌گذرند، هیچ‌کس دیگری را از آن  
منع نمی‌کند و کسی جرأت نمی‌کند که از آن

جلوگیری نماید و دیدی آن کس که از سلطه و قدرت او می ترسند، افراد شریف و بزرگوار را پست و حقیر می کند.

و رَأَيْتَ أَقْرَبَ النَّاسِ مِنَ الْوُلَاةِ مَنْ يُمْتَدِّحُ بِشَمَنِ أَهْلِ الْبَيْتِ وَ رَأَيْتَ مَنْ يُحِبُّنَا يُزَوِّرُ وَ لَا تُقْبَلُ شَهَادَتُهُ وَ رَأَيْتَ الزَّوْرَ مِنَ الْقَوْلِ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْقُرْآنَ قَدْ ثَقُلَ عَلَى النَّاسِ إِسْتِمَاعُهُ وَ خَفَّ عَلَى النَّاسِ إِسْتِمَاعُ الْبَاطِلِ وَ رَأَيْتَ الْجَارَ يُكْرِمُ الْجَارَ خَوْفًا مِنْ لِسَانِهِ وَ رَأَيْتَ الْحُدُودَ قَدْ عُطِّلَتْ وَ عُمِلَ فِيهَا بِالْأَهْوَاءِ.

و دیدی که نزدیک ترین مردم به حاکمان، کسی است که به خاطر دشنام دادن به ما اهل بیت، ستایش می شود و دیدی هر کس که ما را

دوست بدارد، شهادت او را دروغ می‌شمارند و نمی‌پذیرند و دیدی که برای دروغ گفتن و گفتار باطل، با یکدیگر مسابقه می‌دهند و دیدی که گوش دادن به قرآن برای مردم سنگین است اما گوش دادن به حرفهای باطل، بر آنان سهل و آسان است و دیدی که همسایه، همسایه خود را از ترس زبانش احترام می‌کند و گرامی می‌دارد و دیدی که حدود الهی اجرا نمی‌شود و در مورد آنها به خواست و سلیقه‌ی خود عمل می‌کنند.

وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ قَدْ زُخْرِفَتْ وَ رَأَيْتَ أَصْدَقَ  
النَّاسِ عِنْدَ النَّاسِ الْمُفْتَرِيَ الْكَذِبَ وَ رَأَيْتَ الشَّرَّ قَدْ  
ظَهَرَ وَ السَّغْيَ بِالنَّمِيمَةِ وَ رَأَيْتَ الْبَغْيَ قَدْ فَشَا وَ

رَأَيْتَ الْغَيْبَةَ تُسْتَمْلَحُ وَ يُبَشِّرُ بِهَا النَّاسُ بَعْضُهُمْ  
بَعْضًا وَ رَأَيْتَ طَلَبَ الْحَجِّ وَ الْجِهَادِ لِغَيْرِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ  
السُّلْطَانَ يُذِلُّ لِلْكَافِرِ الْمُؤْمِنَ وَ رَأَيْتَ الْخَرَابَ قَدْ  
أَدِيلَ مِنَ الْعُمَرَانِ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ مَعِيشَتُهُ مِنْ بَخْسِ  
الْمِكْيَالِ وَ الْمِيزَانِ وَ رَأَيْتَ سَفْكَ الدِّمَاءِ يُسْتَخَفُّ بِهَا.  
و دیدی که مساجد تزیین می شود و دیدی  
که راستگوترین فرد نزد مردم کسی است که  
افتراء می زند و دروغ می گوید و دیدی که شر و  
بدی و سخن چینی فراوان شده است و دیدی  
که ظلم و بیداد رواج پیدا کرده است. و دیدی  
که غیبت کردن در نظر مردم زیبا جلوه می کند و  
یکدیگر را به [شنیدن] غیبت بشارت می دهند و  
دیدی که مردم برای غیر خدا به دنبال حج و

جهاد می‌روند و دیدی که حاکم، مومن را به خاطر کافر پست و ذلیل می‌کند و دیدی که ویرانی بر آبادانی غلبه کرده است و دیدی که مرد، زندگی خود را از راه کم‌فروشی اداره می‌کند و دیدی که خونریزی سهل و آسان شمرده می‌شود.

و رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَطْلُبُ الرِّئَاسَةَ لِغَرَضِ الدُّنْيَا وَ  
يَشْهَرُ نَفْسَهُ بِخُبْتِ اللِّسَانِ لِيَتَّقَى وَ تُسْنَدُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ  
وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ أُسْتُخِفَتْ بِهَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ عِنْدَهُ  
الْمَالُ الْكَثِيرُ ثُمَّ لَمْ يُزَكِّهِ مِنْذُ مَلَكَهُ وَ رَأَيْتَ الْمَيِّتَ  
يُنْبَشُّ مِنْ قَبْرِهِ وَ يُؤْذَى وَ تُبَاعُ أَكْفَانُهُ وَ رَأَيْتَ الْهَرَجَ  
قَدْ كَثُرَ وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُمْسِي نَشْوَانَ وَ يُصْبِحُ  
سَكْرَانَ لَا يَهْتَمُّ بِمَا يَقُولُ النَّاسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْبَهَائِمَ

تُنَكِّحُ وَ رَأَيْتَ الْبَهَائِمَ تَفْرِسُ بَعْضُهَا بَعْضًا.

و دیدی که مرد، ریاست را برای اهداف  
دنیاوی می‌خواهد و خود را به بدزبانی مشهور  
می‌کند تا از او بترسند و کارها را به او واگذار  
نمایند و دیدی که نماز را سبک می‌شمارند.  
دیدی که مرد، مال فراوانی گرد آورده است و از  
روزی که مالک آن مال شده، زکات آن را  
نپرداخته است و دیدی که مرده را از قبر بیرون  
می‌کشند، او را اذیت می‌کنند و کفنش را  
می‌فروشند و دیدی که فتنه و آشوب فراوان  
شده است و دیدی که مرد، شب‌هنگام در آغاز  
مستی و بامدادان در حال مستی است و توجه  
ندارد که مردم در باره‌ی او چه می‌گویند و

دیدى که از چهارپایان تمتع مى‌برند و دیدى که  
چهارپایان، یکدیگر را مى‌درند.

وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ يَخْرُجُ إِلَى مُصَلَّاهُ وَ يَرْجِعُ وَ لَيْسَ  
عَلَيْهِ شَيْءٌ مِنْ ثِيَابِهِ وَ رَأَيْتَ قُلُوبَ النَّاسِ قَدْ قَسَتْ  
وَ جَمَدَتْ أَغْيُنُهُمْ وَ ثَقُلَ الذِّكْرُ عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ  
السُّحْتَ قَدْ ظَهَرَ يُتَنَافَسُ فِيهِ وَ رَأَيْتَ الْمُصَلَّى إِنَّمَا  
يُصَلِّي لِيَرَاهُ النَّاسُ وَ رَأَيْتَ الْفَقِيهَ يَتَفَقَّهُ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ  
يَطْلُبُ الدُّنْيَا وَ الرِّئَاسَةَ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ مَعَ مَنْ غَلَبَ  
وَ رَأَيْتَ طَالِبَ الْحَلَالِ يُذَمُّ وَ يُعْتَرُّ وَ طَالِبَ الْحَرَامِ  
يُمدَحُ وَ يُعَظَّمُ.

و دیدى که مرد به جایگاه نمازش مى‌رود؛ و  
باز مى‌گردد در حالیکه لباسى به تن ندارد و  
دیدى که مردم، سنگ‌دل شده‌اند، چشم‌هایشان

خشکیده است و یاد خداوند بر ایشان سخت و سنگین است و دیدی که درآمد از راههای حرام زیاد شده است و برای به دست آوردن مال حرام مسابقه داده می شود و دیدی که نمازگزار تنها برای نشان دادن به مردم نماز می خواند و دیدی که عالم دینی برای غیر دین، درس دین می خواند و جویای دنیا و ریاست است و دیدی که مردم با کسی همراهند که بر دیگران پیروز می گردد و دیدی که جوینده ی مال حلال را مذمت و سرزنش می کنند و جوینده ی مال حرام را می ستایند و بزرگ می شمارند.

وَأُيْتِ الْحَرَمَيْنِ يُعْمَلُ فِيهِمَا بِمَا لَا يُحِبُّ اللَّهُ لَا يَمْنَعُهُمْ مَانِعٌ وَلَا يَحُولُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْعَمَلِ الْقَبِيحِ

أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ الْمَعَارِيفَ ظَاهِرَةً فِي الْحَرَمَيْنِ وَ رَأَيْتَ  
الرَّجُلَ يَتَكَلَّمُ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ وَ يَأْمُرُ بِالْمَعْرُوفِ وَ  
يَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ فَيَقُومُ إِلَيْهِ مَنْ يَنْصَحُهُ فِي نَفْسِهِ  
فَيَقُولُ: هَذَا عَنْكَ مَوْضُوعٌ.

و دیدی در مکه و مدینه کارهایی انجام  
می شود که خداوند نمی پسندد و کسی جلودار  
آنان نیست و احدی میان آنان و کار ناشایست،  
جدایی نمی اندازد و دیدی آلات موسیقی و  
طرب در مکه و مدینه آشکارا است و دیدی که  
مرد سخن حقی را می گوید و امر به معروف و  
نهی از منکر می کند و کسی برمی خیزد و او را  
نصیحت می کند و به او می گوید: تو در این  
مورد وظیفه ای نداری.

وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَنْظُرُ بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ وَ يَقْتَدُونَ  
بِأَهْلِ الشُّرُورِ وَ رَأَيْتَ مَسْلَكَ الْخَيْرِ وَ طَرِيقَهُ خَالِيًا  
لَا يَسْلُكُهُ أَحَدٌ وَ رَأَيْتَ الْمَيِّتَ يُهْرَأُ بِهِ فَلَا يَفْزَعُ لَهُ  
أَحَدٌ.

و دیدی که مردم [در امور دنیا] به یکدیگر  
نگاه می کنند و از اشرار پیروی می کنند و دیدی  
که راه و مسیر خیر و نیکی خالی مانده است و  
کسی در آن پا نمی گذارد و دیدی که بر مرده  
تمسخر می کنند و هیچ کس از مرگ [که اینک به  
سراغ او آمده است] نمی ترسد و وحشت  
نمی کند.

وَرَأَيْتَ كُلَّ عَامٍ يُحْدِثُ فِيهِ مِنَ الشَّرِّ وَ الْبِدْعَةِ  
أَكْثَرُ مِمَّا كَانَ وَ رَأَيْتَ الْخَلْقَ وَ الْمَجَالِسَ لَا يُتَابِعُونَ

إِلَّا الْأَغْنِيَاءَ وَرَأَيْتَ الْمُحْتَاجَ يُعْطَى عَلَى الضَّحْكِ بِهِ  
وَ يُرْحَمُ لِغَيْرِ وَجْهِ اللَّهِ وَرَأَيْتَ الْآيَاتِ فِي السَّمَاءِ  
لَا يَفْزَعُ لَهَا أَحَدٌ وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَتَسَافَدُونَ كَمَا  
يَتَسَافَدُ الْبَهَائِمُ لَا يُنْكِرُ أَحَدٌ مُنْكَرًا تَخَوُّفًا مِنَ النَّاسِ.

و دیدی که هر سال شرّ و بدعت از آنچه  
بوده است، افزون می گردد و دیدی که برنامه‌ی  
مردم و مجالس آنها، تنها پیروی از ثروتمندان  
است و دیدی به نیازمند با تمسخر انفاق  
می کنند و برای غیر خدا بر او ترحم می نمایند و  
دیدی کسی از آیات و نشانه‌های آسمانی  
نمی ترسد و دیدی که مردم با یکدیگر در آمیزند  
همانگونه که حیوانات [آشکارا] با هم در آمیزند.  
هیچ کس از ترس مردم، از کار زشت و ناپسند

جلوگیری نمی کند.

و رَأَيْتَ الرَّجُلَ يُنْفِقُ الْكَثِيرَ فِي غَيْرِ طَاعَةِ اللَّهِ وَ  
يَمْنَعُ الْيَسِيرَ فِي طَاعَةِ اللَّهِ وَ رَأَيْتَ الْعُقُوقَ قَدْ ظَهَرَ وَ  
اسْتُخِفَّ بِالْوَالِدَيْنِ وَ كَانَا مِنْ أَسْوَأِ النَّاسِ حَالاً عِنْدَ  
الْوَلَدِ وَ يَفْرَحُ بِأَنْ يَفْتَرِيَ عَلَيْهِمَا وَ رَأَيْتَ النِّسَاءَ قَدْ  
غَلَبْنَ عَلَى الْمُلْكِ وَ غَلَبْنَ عَلَى كُلِّ أَمْرٍ لَا يُؤْتَى إِلَّا مَا  
لَهُنَّ فِيهِ هَوًى وَ رَأَيْتَ ابْنَ الرَّجُلِ يَفْتَرِي عَلَى أَبِيهِ وَ  
يَدْعُو عَلَى وَالِدَيْهِ وَ يَفْرَحُ بِمَوْتِهِمَا وَ رَأَيْتَ الرَّجُلَ إِذَا  
مَرَّ بِهِ يَوْمٌ وَ لَمْ يَكْسِبْ فِيهِ الذَّنْبَ الْعَظِيمَ مِنْ فُجُورٍ  
أَوْ بَخْسٍ مِكْيَالٍ أَوْ مِيزَانٍ أَوْ غَشْيَانٍ حَرَامٍ أَوْ شُرْبِ  
مُسْكِرٍ، كَثِيباً حَزِيناً يَحْسَبُ أَنَّ ذَلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ  
وَضِيعَةٌ مِنْ عُمْرِهِ

و دیدی که مرد، مال فراوانی را در راهی غیر

از راه اطاعت خداوند خرج می‌کند اما پول  
اندکی در راه طاعت الهی نمی‌پردازد و دیدی که  
نافرمانی و نیکی نکردن فرزند نسبت به پدر و  
مادر آشکار شده است و به پدر و مادر اهانت  
می‌شود. برخورد فرزند با پدر و مادر از هر  
کسی بدتر است و فرزند شادمان می‌شود که بر  
آنان دروغ بزند و دیدی که زنان بر حکومت  
چیره شده‌اند و بر هر چیز، تسلط یافته‌اند؛  
کاری انجام نمی‌شود مگر این که خواسته‌ی آنها  
در آن می‌باشد و دیدی که پسر بر پدرش افتراء  
می‌زند و بر پدر و مادرش نفرین می‌کند و از  
مرگ آنها خوشنود می‌شود و دیدی که اگر مرد،  
روزی بر او بگذرد و در آن روز گناه بزرگی

همانند هرزگی یا کم‌فروشی یا همبستری حرام  
یا نوشیدن شراب انجام ندهد، غمگین و افسرده  
می‌گردد. می‌پندارد که از آن روز از عمرش  
بهره‌ای نبرده و آن را ضایع ساخته است.

وَ رَأَيْتَ السُّلْطَانَ يَحْتَكِرُ الطَّعَامَ وَ رَأَيْتَ أَمْوَالَ  
ذَوِي الْقُرْبَى تُقْسَمُ فِي الزَّوْرِ وَ يُتَقَامَرُ بِهَا وَ تُشْرَبُ  
بِهَا الْخُمُورُ وَ رَأَيْتَ الْخَمْرَ يُتَدَاوَى بِهَا وَ يوصَفُ  
لِلْمَرِيضِ وَ يَسْتَشْفَى بِهَا وَ رَأَيْتَ النَّاسَ قَدْ اسْتَوُوا  
فِي تَرْكِ الْأَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ تَرَكَ  
التَّذَيُّنَ بِهِ وَ رَأَيْتَ رِيَاخَ الْمُنافِقِينَ وَ أَهْلَ النِّفَاقِ  
قَائِمَةً وَ رِيَاخَ أَهْلِ الْحَقِّ لَا تَحَرَّكَ.

و دیدی که حاکم، خوراک مردم را نزد خود

انبار می‌کند و دیدی که اموال خویشاوندان<sup>۱</sup> [و میراث آنان] به ناحق تقسیم می‌شود و با آن قمار می‌کنند و شراب می‌نوشند و دیدی که بیماران خود را با شراب درمان می‌کنند؛ شراب را برای بیمار می‌ستایند و او بیماری خود را با شراب مداوا می‌کند و دیدی که مردم در ترک امر به معروف و نهی از منکر و اعتقاد نداشتن به آن با هم یکسان و برابر می‌شوند و دیدی که قدرت و حکومت منافقین و اهل نفاق، پایدار و وزشی در جریان قدرت اهل حق، به چشم

---

۱- در ترجمه‌ی این بخش، احتمال دیگری وجود دارد که مقصود از اموال ذوی القربی، اموال خویشاوندان پیامبر اسلام ﷺ باشد؛ همانگونه که این احتمال را مرحوم مولی محمد صالح مازندرانی نیز بیان فرموده است.

نمی خورد.

و رَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ وَ الصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ وَ رَأَيْتَ  
الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ مُجْتَمِعُونَ فِيهَا  
لِلْغَيْبَةِ وَ أَكَلَ لُحُومَ أَهْلِ الْحَقِّ وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا  
شَرَابَ الْمُسْكِرِ وَ رَأَيْتَ الشُّكْرَانَ يُصَلِّي بِالنَّاسِ فَهُوَ  
لَا يَغْقِلُ وَ لَا يُشَانُ بِالشُّكْرِ وَ إِذَا سَكِرَ أَكْرِمَ وَ اتَّقَى وَ  
خِيفَ وَ تَرَكَ لَا يُعَاقَبُ وَ يُعَذَّرُ بِسُكْرِهِ.

و دیدی که اذان گفتن با مزد است و نماز  
خواندن با مزد است و دیدی که مساجد انبوه  
است از کسانی که از خدا نمی ترسند و برای  
غیبت کردن و خوردن گوشت مردمان اهل حق  
در آنجا گرد آمده اند و نوشیدنی های مست کننده  
را برای یکدیگر می ستایند و دیدی که مرد

مست با مردم نماز می گزارد، در حالی که  
عقلش زایل شده است، مستی او را قبیح  
نمی دانند و چون که مست می شود، احترامش  
می کنند و خود را از او حفظ می کنند و از او  
می ترسند و او را رها می کنند و مجازاتش  
نمی کنند و برای مستی اش عذری می تراشند.

وَ رَأَيْتَ مَنْ أَكَلَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى يُحْمَدُ بِصَلَاحِهِ وَ  
رَأَيْتَ الْقَضَاةَ يَقْضُونَ بِخِلَافِ مَا أَمَرَ اللَّهُ وَ رَأَيْتَ  
الْوُلَاةَ يَأْتُمِنُونَ الْخَوْنَةَ لِلطَّمَعِ وَ رَأَيْتَ الْمِيرَاثَ قَدْ  
وَضَعَتْهُ الْوُلَاةُ لِأَهْلِ الْفُسُوقِ وَ الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ  
يَأْخُذُونَ مِنْهُمْ وَ يُخَلِّوْنَهُمْ وَ مَا يَشْتَهُونَ وَ رَأَيْتَ  
الْمَنَابِرَ يُؤَمَّرُ عَلَيْهَا بِالتَّقْوَى وَ لَا يَعْمَلُ الْقَائِلُ بِمَا يَأْمُرُ.  
و دیدی کسی که مال یتیمان را می خورد به

صلاحیت و شایستگی ستایش می‌شود و دیدی  
که قاضیان بر خلاف فرمان خداوند حکم  
می‌کنند و دیدی که فرمانروایان از روی حرص  
و طمع به خیانت کاران اعتماد می‌کنند و دیدی  
که فرمانروایان، میراث را برای فاسقان و  
گستاخان بر خداوند می‌گذارند، از آنها چیزی  
می‌گیرند و رهایشان می‌کنند تا هر چه  
می‌خواهند بکنند<sup>۱</sup> و دیدی که بر روی منبرها به  
تقوای الهی امر می‌شود اما گوینده، خود به آنچه  
فرمان می‌دهد عمل نمی‌کند.

---

۱- یعنی مسئولیت میراث یتیمان را به خائنی واگذار می‌کنند که بخشی از آن را خود بر می‌دارد  
و بخشی را به آنها می‌دهد؛ یا این که در هر میراثی از یکی از ورثه که فاسق است رشوه  
می‌گیرند و دست او را باز می‌گذارند تا هر کاری می‌خواهد بکند.

وَ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ أَسْتُخِفَّ بِأَوْقَاتِهَا وَ رَأَيْتَ  
الصَّدَقَةَ بِالشَّفَاعَةِ لَا يُرَادُ بِهَا وَجْهُ اللَّهِ وَ تُعْطَى لِطَلَبِ  
النَّاسِ وَ رَأَيْتَ النَّاسَ هَمُّهُمْ بُطُونُهُمْ وَ فُرُوجُهُمْ  
لَا يُبَالُونَ بِمَا أَكَلُوا وَ بِمَا نَكَحُوا (وَ رَأَيْتَ الدُّنْيَا مُقْبِلَةً  
عَلَيْهِمْ وَ رَأَيْتَ أَغْلَامَ الْحَقِّ قَدْ دَرَسَتْ).

فَكُنْ عَلَى حَذَرٍ وَ اطْلُبْ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ النَّجَاةَ  
وَ اعْلَمْ أَنَّ النَّاسَ فِي سَخَطِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنَّمَا  
يُمَهِّلُهُمْ لِأَمْرٍ يُرَادُ بِهِمْ فَكُنْ مُتَرَقِّبًا وَ اجْتَهِدْ لِيَرَاكَ  
اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي خِلَافِ مَا هُمْ عَلَيْهِ فَإِنْ نَزَلَ بِهِمْ  
الْعَذَابُ وَ كُنْتَ فِيهِمْ عَجِلْتَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ وَ إِنْ  
أُخِّرْتَ أُبْتُلُوا وَ كُنْتَ قَدْ خَرَجْتَ مِمَّا هُمْ فِيهِ مِنْ  
الْجُرْأَةِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ

أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ<sup>۱</sup> وَ أَنَّ رَحْمَةَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ  
الْمُحْسِنِينَ<sup>۳.۲</sup>

و دیدی که نسبت به اوقات نماز بی توجهی  
می کنند و دیدی که با توصیه، به فقیر صدقه  
می دهند؛ نه برای رضای خداوند، بلکه برای این  
که کسی از آنها درخواست نموده است و دیدی  
مردم توجهشان به شکم‌ها و شهوتشان است و  
اهمیت نمی دهند که چه می خورند و با که  
ازدواج می کنند (از جهت حلال و حرام) و  
دیدی که دنیا به آنها رو کرده است و دیدی که

---

۱- برگرفته از آیهی ۱۲۰ سورهی مبارکهی توبه (۹).

۲- برگرفته از آیهی ۵۶ سورهی مبارکهی اعراف (۷).

۳- روضه کافی: ۳۶-۴۲؛ بحار الانوار، ۵۲: ۲۵۴-۲۶۰ با اندکی اختلاف.

پرچمهای هدایت کهنه و مندرس شده است.  
پس در این هنگام از این اموری که گفته  
شد بر حذر باش و از پیشگاه خداوند گرانقدر  
و بزرگ درخواست رهایی و نجات کن و بدان  
که مردم در خشم الهی هستند و اگر خداوند به  
آنها مهلت داده است، به خاطر چیزی (عذابی)  
است که برای آنان مهیا شده است، پس  
چشم انتظار باش و در راه طاعت الهی بکوش تا  
خداوند گرانقدر و بزرگ تو را بر جایگاهی، جز  
آنچه مردم در آن قرار دارند، ببیند؛ تا اگر عذاب  
بر آنان فرود آمد و تو در میانشان بودی، به  
سوی رحمت الهی شتافته باشی و اگر باقی  
ماندی و آنان دچار عذاب الهی شدند، تو از

جایگاه آنان، که جایگاه گستاخی بر خداوند  
گرانقدر و بزرگ است، خارج باشی [و در  
کارهای ناشایست با آنان همراهی نکنی] و بدان  
که خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌سازد و  
البته رحمت خداوند به نیکوکاران نزدیک است.